

«حیات» شهیدان در قرآن



عظیم‌الدین علی دشتگاه ازجوهی
حجت‌الاسلام والمسلمین جوهاری

شهدا سرمایه‌های معنوی بسیار باارزش و تأثیرگذار همیشگی و جاویدان‌اند. شهدای دوران هشت سال دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم و شهدای راه قدس، مجموعه ماندگار و بزرگی هستند که راهنمای نسل‌های آینده ایران اسلامی و انقلاب اسلامی خواهند بود. آنان همواره زنده‌اند و بایدراه و پیام واهداف این شهیدان و ارزش‌های آنان را شناخت و در همان راه کام برداشت. زنان گرچه فرصت‌های حضور در صحنه‌های نبرد رانداشته‌اند و از این‌رو تعداد زنان شهید در مقایسه با مردان شهید محدود است، همین زنان می‌توانند از شهادت که بزرگ‌ترین سرمایه معنوی برای کشور ایران و پایداری انقلاب اسلامی است، پاسداری کنند. نقش زنان در حفظ و حمایت از این سرمایه‌های معنوی دفاع مقدس، بسیار مهم است. زنان، شهیدپرور بوده‌اند و جوانان آماده شهادت در دامان آنان تربیت شده و به جبهه‌ها رفته‌اند و در دفاع مقدس در راه خدا به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند. اکنون زنان می‌توانند حماسه شهیدان را زنده بدارند تا همگان از آنان درس بگیرند.

در قرآن کریم دوبار تصریح شده است که شهیدان «اموات» نیستند، بلکه «احیا» هستند. خدای متعال در سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَمْوَاتٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ و به آن‌ها که در راه خدا کشته می‌شوند، مردگان نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند ولی شما نمی‌فهمید». (بقره، آیه ۱۵۴). در موضوع حیات و شهادت، این آیه از محکمات قرآن و نص است. این آیه، همه انسان‌ها را از به‌کار بردن واژه میت برای شهیدان نهی می‌کند. نباید کسی بگوید یا بنویسد که شهید مرده است؛ همه باید تصریح کنند که شهیدان زنده‌اند. لازم است تعبیر زنده بودن شهیدان، همواره در یاد مردم باشد و آثار زنده بودن شهیدان در زندگی آنان مشاهده شود. به حکم همین آیه، انسان‌های زنده در دنیا، نمی‌توانند کیفیت حیات شهیدان را درک کنند ولی باید با شهیدان به‌عنوان انسان‌های زنده ارتباط برقرار کنند و سبک زندگی آن‌ها را ادامه بدهند. در سوره آل عمران نیز خدای سبحان فرموده است: «وَلَا تَحْسَبِ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَمْوَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ... مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ... فَضْلًا وَأَنَّ... لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان‌اند، بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آن‌ها به‌خاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحال‌اند و به کسانی که دنبال ایشان‌اند و هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند، مژده می‌دهند که نه‌ترسی بر آن‌هاست و نه غمی خواهند داشت. از نعمت و فضل او مسرورند و می‌بینند که خداوند پاداش مؤمنان را ضایع نمی‌کند». (آل عمران، آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱)

شایان توجه است که آیه سوره بقره هشدار می‌دهد که «نگویید» و همچنین آیه دیگر این سوره تصریح می‌کند که «گمان هم نکنید» و «در ذهنتان هم نیاید» و «خیال هم نکنید» که شهیدان مرده‌اند. این آیه نیز به پیامبر^(ص) و پیروان پیامبر^(ص) یادآوری می‌کند که شهیدان زنده‌اند.

هر دو آیه به‌کار بردن واژه «اموات» را برای شهیدان، نفی کرده‌اند و در هر دو آموزش داده شده است که شهیدان «احیا» هستند.

اما اینکه حیات شهیدان چگونه است و به چه معنی است، برای ما روشن نیست. حیات شهیدان را تنها شهیدان درک می‌کنند. در آیات سوره آل عمران از رزق و روزی شهیدان ازسوی پروردگارشان نیز سخن گفته شده است: «شهیدان از آنچه خدا به آنان داده است، شادمان و خوشحال‌اند و به مجاهدان و شهیدان آینده نیز بشارت می‌دهند که نگرانی و ترسی نداشته باشند؛ خداوند پاداش مؤمنان شهید و مجاهدانی را که هنوز شهید نشده‌اند، ضایع نمی‌کند».

رزق و فرح و بشارت دادن به بازماندگان شهادت، از مظاهر حیات شهیدان است. شادی شهیدان به الطاف الهی است نه عمل خودشان و الطاف الهی را تقضل الهی می‌دانند، نه پاداش خون خود.

شهیدان از هم‌زمان خود دل نمی‌کنند و آینده‌ای خوب را به آنان بشارت می‌دهند. شهیدان زندگی جمعی دارند و به یک‌دیگر ملحق می‌شوند و در انتظار یاران و هم‌زمان خویش هستند. علاقه آنان به سعادت و شهادت دیگران و ملحق شدن آنان به کاروان عزت و شرف شهیدان، یک‌ارزش بزرگ و پایدار است که شهیدان به آن وفادارند. کامیابی شهیدان، همیشگی است و هرگز غم از دست دادن نعمتی را ندارند و این حقیقت را به راهبان نور و شهادت، مژده می‌دهند.

هرکاری که زنده بودن شهیدان را نشان بدهد و هر سخن که حیات شهیدان را رواج دهد، بر بازماندگان شهیدان و رزمندگان و یاران شهیدان و عموم مردم و دولت و حاکمان لازم است. رفتار و گفتار همه مردم باید در راه بزرگداشت مقام و یاد شهیدان و ادامه اهداف آنان باشد. براساس آیاتی که به حیات شهیدان در سوره بقره و آل عمران اشاره می‌کنند، نباید واژه اموات برای شهیدان استعمال شود و از میت نامیدن آن‌ها، به‌شدت نهی شده است.

آلبوم خانواده؛

۵۰برداشت نو از آیین خانواده فاطمی

کتاب «آلبوم خانواده(پنجاه برداشت نو از آیین خانواده فاطمی»، اثر جواد اکبری دافساری و محبوبه زارع، در ۱۰۸ صفحه را مؤسسه بوستان منتشر کرده است. اثر حاضر، تلاشی است در معاصر سازی الگویی متکامل برای تمام انسان‌هایی که به کشف اسرار بهتر زیستن و راه‌هایی میان‌بر برای تعالی می‌اندیشند. «آلبوم خانواده» مجموعه‌ای است با پنجاه برداشت نو از کامل‌ترین خانواده خلقت، خانه‌ای که حضرت زهرا^(ص) مدیر و بانوی آن است. باشد که تصاویر بیانی این اثر، هم‌سفر نگاه شما در جاده‌های شکوفایی و بلوغ باشد.

مروری بر اثر

- تصویر پیست ویکم

در صصت وسومین آیه سوره نور آمده است: «ای مسلمانان! رسول خدا^(ص) را آن‌گونه که همدیگر را صدا می‌زنید، صدا نکنید». فاطمه^(ص) که هرگز خود را جدا از مردم ندیده است، از امروز دیگر پیامبر^(ص) را پدر نمی‌خواند. هنوز طنین «یا رسول...!» دختر در گوش پدر، طنین دارد. پیامبری که در اجرای فرمان الهی هرگز خانواده خود را مستثنا نکرده است، این‌بار رو به دختر خود می‌فرماید: فاطمه جان! این آیه درباره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است؛ تو مرا با جمله «ای پدر!» خطاب کن که مایه حیات قلب من است و خداوند را خشنود می‌کند. گویی با نوآورترین زنان به ارزش خانواده و پشتوانه عاطفی نهفته در روابط خانوادگی اشاره می‌کند.

- پیام تصویری به خانواده معاصر

پدرها! مادرها! ایجاد محیط صمیمی در خانواده، با حفظ شئون و آداب، مهم‌ترین پایه‌ای است که شما می‌توانید برای استحکام بنیان خانواده‌تان به آن تکیه کنید.

صمیمیت سرمایه‌ای است قابل اعتماد که تا همیشه مستحکم و بادوام باقی می‌ماند.

پیامبر^(ص) از آن به عنوان حیات قلب خویش یاد کرده است.

یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد صمیمیت، نوع صدا زدن همدیگر در خانه است. فرزندان‌تان را با نهایت ادب و با لفظی که خود دوست دارند، مخاطب قرار دهید. به این ترتیب، به آن‌ها می‌آموزید که آنان نیز متقابلاً با شما و دیگر اعضای خانواده همین رفتار را داشته باشند.

- فرزندان

احترام و ادب ورزی به بزرگ‌ترها خصوصاً پدر و مادر، اصل مهمی است که نباید هرگز از آن غافل شد. یکی از راه‌های احترام، رعایت ادب در صدا زدن والدین است. سعی کنید نام آن‌ها را صدا نزنید، بلکه در نهایت صمیمیت و ادب، نسبت را جایگزین اسم کنید.



شهرخبر
۴شنبه
۱۳۹۳
۱۳۹۳
شماره ۳۳۳

SHAHARANEWS.IR
۱۴



مروری بر روایات به جامانده از امام رضا^(ع) پیرامون پیامبری که مبشر بود

بنده خدا، عیسی مسیح^(ع)

حمیده ذاکری | حضرت عیسی^(ع) یکی از پیامبران بزرگ خداوند متعال و دارای کتاب بود؛ پیامبری که ما درباره او و ویژگی‌هایش، حکایات و گفته‌های بسیاری را خوانده و شنیده‌ایم. قرآن کریم و روایات ائمه اطهار^(ع) از منابعی هستند که در آن‌ها می‌توان درباره زندگی و احوال حضرت عیسی مسیح^(ع)، اطلاعاتی را دریافت کرد. در این میان امام رضا^(ع)، هم در روایات و هم در مناظره‌ای مشهور، درباره این پیامبر الهی سخن گفته‌اند. از منظر امام رضا^(ع)، عیسی مسیح^(ع) پیامبری بود که به نبوت پیامبر اکرم^(ص) بشارت داده بود. امام هشتم^(ع) ضمن تصدیق پیامبر بودن عیسی^(ع) بیان می‌کنند که عیسی مسیح به نبوت حضرت خاتم بشارت داده است و در این راستا به سخنان یوحنا ی دیلمی و کتاب اشعیا و انجیل استناد می‌کنند. در ادامه برخی از این روایات را با هم مرور می‌کنیم.

معجزه عیسوی

امام رضا^(ع) در روایتی به بررسی معجزات پیامبران می‌پردازند و درباره معجزه حضرت عیسی^(ع) نیز سخن گفته‌اند؛ «این سکیت به حضرت رضا^(ع) عرض کرد: چرا حق تعالی، موسی را به بد بیضا و عصا و ابزار سحر، مبعوث فرمود و عیسی را به طب، مبعوث گردانید و محمد^(ص) را به کلام فصیح مبعوث کرد؟ حضرت فرمود: وقتی که حق تعالی، موسی را به پیغمبری مبعوث کرد، اغلب افعال اهل زمان او ساحری و جادوگری بود، پس از نزد خدا چیزی از برای ایشان آورد که وسع آن قوم نرسد که مثل آن بیاورند و حجت بر ایشان اثبات کرد و عیسی را وقتی مبعوث کرد که اقات و عاهات زائد می‌بود و مردم محتاج به طبابت بودند، پس عیسی از نزد خدا چیزی برای ایشان آورد که مثل آن، نزد آن‌ها نبود و نه می‌توانستند مانند آن بیاورند؛ چه معجزه‌ای که آن جناب آورد، زنده کردن مرده بود و به این سبب حجت برایشان اثبات فرمود. حق تعالی، محمد^(ص) را زمانی مبعوث گردانید که اغلب افعال اهل عصر او، خطب و سخنوری بود، پس محمد^(ص) از برای ایشان از کتاب خدا و مواظ و احکام، چندان آورد که قول ایشان را باطل کرد و حجت اثبات فرمود» (جلد دوم، ص ۳۹۷) عیون اخبار الرضا^(ع).

یکی دیگر از مباحثی که امام رضا^(ع) درباره آن سخن گفته‌اند، خوف و رجاست. خوف و رجاستصلاحي است که درآموزه‌های دین اسلام آمده است و قرآن و روایات نیز به آن پرداخته‌اند و به معنای ترس از بزرگی خدا و درعین حال امید به مهربانی و رحمت خداوند است، صفتی که بنده مؤمن باید دارا باشد تا بتواند به توازنی در رفتار و اعمالش برسد، یعنی هم از عقوبت پروردگار بترسد و هم امیدوار به مغفرت الهی باشد. به عبارت دیگر، هم اهل خوف و گریه باشد و هم از شادی و بهجت دوری نکند. به گفته کارشناسان دینی، برخی بندگان خالص خدا به دلیل اینکه ایمانی کامل به جهنم و عذاب الهی دارند، دائم در حال خوف به‌سر می‌برند و تنها نگاه به کوتاهی و کمی اعمالشان دارند و از رحمت ایزدی غافل‌اند. اما کسانی که از این افراد کامل‌تر هستند، بیم و امید را به یک اندازه با خود به همراه دارند. در این زمینه، امام رضا^(ع) درباره حضرت عیسی^(ع) چنین می‌فرمایند: «حضرت عیسی هم گریه می‌کرد و هم می‌خندید. ولی حضرت یحیی فقط گریه می‌کرد و نمی‌خندید؛ آن حالتی که عیسی داشت، بهتر از حالت یحیی بود».



امام صادق^(ع):
... فی عون المؤمنین، مادامَ المؤمنُ فی عونِ أخیه

روشنا

خداوند در پی یاری مؤمن است تا وقتی که مؤمن در پی یاری برادر خویش است.
بحار الأنوار، ج ۷۴ ، ص ۳۲۲ .

قصه قرآنی

آزاد شود، می‌خواست باعث از بندگی‌که زلیخا برایش آماده کرده بود، رها شود. پس گفت اول قصه بریدن دست‌ها را بپرسید که خدای من از مکر آن‌ها آگاه است؛ وَقَالَ الْمَلِكُ اِثْنَيْنِ يَه قَلَمًا جَاءَ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ اِلَيَّ رَيْكَ فَاَسْأَلُهُ مَا بَالُ الْبَشَوَةِ اللّٰثِي قَطَعْتَ اَيْدِيْهِنَّ اِنَّ رَبِّيْ يَكْفِيْهِ هُنَّ عَلِيْمٌ (یوسف، ۵۰). وقتی یوسف می‌گوید خدای من؛ نه اینکه خدای او پروردگار بقیه انسان‌ها نیست، نه؛ می‌خواهد از رسالتش بگوید؛ از اینکه بت‌ها و خدایانی که شما می‌پرستید، باطل است. با این تعبیر، همه از علم او خبردار شدند و حلالادعوت به حق و یکتاپرستی، آسان‌تر بود.

حکام

آگاهی از دروغ

آیت!...العظمی خامنه‌ای: تکلیفی جز امر به معروف و نهی از منکر با وجود شرایط آن ندارید.

آیت!...العظمی سیستانی: نهی از منکر در صورت تحقق شرایطش، واجب است.

آیت!...العظمی صافی‌گلپایگانی: وظیفه در صورت اجماع شرایط، نهی از منکر است، ولی اعلام حقیقت لازم نیست، مگر مواردی که موجب حفظ نفس یا حفظ عرض و آبروی محترمی بوده باشد.

آیت!...هادوی‌تهرانی: اگر دروغ مزبور ضرری برای فرد شنونده ندارد، گفتن حقیقت واجب نیست، اما اگر ضرری به وی می‌رسد، ابتدا باید بدون اینکه دروغ‌گویی گوینده را افشا کنید، به‌گونه‌ای شنونده را از وجود این ضرر آگاه کنید و اگر تنها راه آگاه کردن از ضرر، افشای دروغ‌گویی گوینده باشد، باید این کار را بکنید.



پهارشنبه‌های امام‌رضایی

بازگشت همراه با منجی

به جز بررسی معجزات، رجعت موضوع دیگری است که امام رضا^(ع) درباره آن سخن گفته و در توضیح آن در کلامشان به حضرت عیسی^(ع) اشاره کرده‌اند. خوب است بدانیم رجعت، یکی از اتفاقاتی است که در زمان ظهور حضرت مهدی^(عج) رخ خواهد داد. براساس این عقیده، گروهی از مؤمنان برای رسیدن به ثواب نصرت اولیای خدا و دیدن دولتی که سال‌ها انتظار آن را کشیده‌اند، برمی‌گردند تا از دیدن دولت عدل و قسط لذت ببرند و از طرف دیگر، گروهی از بدکاران نیز بازمی‌گردند تا عقوبت اعمال خویش را در همین جهان ببینند. در این زمینه در روایتی از حضرت رضا^(ع) آمده است: «مأمون به حضرت علی‌بن موسی الرضا^(ع) عرض کرد یا اباالحسن! درباره رجعت چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمود: رجعت حق است و در امت‌های پیشین بوده است. قرآن هم از آن سخن گفته است و پیامبر^(ص) نیز فرمود: پس می‌آید برای امت این‌ها هر آنچه برای امت‌های گذشته پیش آمد، بدون کم و زیاد و فرمود هنگامی که مهدی^(عج) از فرزندان من ظهور کند، عیسی^(ع) از آسمان پایین آمده، پشت‌سر آن حضرت نماز می‌گزارد. مأمون عرض کرد سرنجام چه می‌شود؟ فرمود: حق به اهل خودش برمی‌گردد» (عیون اخبار الرضا^(ع)، ج ۲، ص ۲۰۱-۲۰۲).

بالشش سنگ و چراغش ماه

اما درباره سایر ویژگی‌های حضرت عیسی^(ع) امام رضا^(ع) در مناظره با دانشمند مسیحی برای رد ادعای نسبت خدایی دادن به حضرت عیسی^(ع)، به عبادات ایشان مانند نماز خواندن و روزه گرفتن اشاره کرده، می‌فرماید: کسی که خداست، برای چه کسی نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد؟ (عیون اخبار الرضا^(ع)، ج ۱، ص ۱۵۹). همچنین ایشان به گفته امام صادق^(ع) بسیار به یاد خدا بود. حضرت مسیح دائم می‌گفت در غیر یاد خدا، زیاد سخن نگویند. کسانی که زیاد حرف می‌زنند، دل‌هایشان دچار قساوت می‌شود، ولی خودشان نمی‌دانند» (اصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۱۴). حضرت عیسی^(ع) دنیا را پلی می‌دانست که باید از آن عبور کرد و در این زمینه به حواریون در کلامی گفته است: «دنیا پل است. از آن عبور کنید و آن را آباد نکنید» (الخصال، ج ۱، ص ۶۵). به همین خاطر زهد ایشان مشهور بود. ائمه اطهار^(ع) همچنین درباره زهد حضرت سخن گفته‌اند؛ آن چنان‌که از امام علی^(ع) می‌خوانیم: «بالشش سنگ و لباسش، خشن و غذایش ناگوار بود. خورشتش، گرسنگی و چراغش در شب، ماه و سایبانش در روز، شرق و غرب زمین بود. میوه و سبزی‌اش، گیاهانی بود که در مناطق مختلف می‌روید». (نهج البلاغه، ص ۳۴۷). از عیسیا مسیح در منابع روایی اسلامی بسیار یاد شده است که برای مطالعه بیشتر می‌توانید به آن‌ها مراجعه کنید.